نگاه جامعه شناس

بهعنوان فرهنة



برای کنترل کردن به این جاار سال می کنند. اگر

را تصحیح کنند چندین سال است که این کا_د انجام

نجام دُهدو جلوى يخش فيلمهايي راكه از نظر علمي و

فنی در رابطه باموضوع مرگمغزی،مشکل دارند،بگیرد. مثلااگر فیلمی نشان دهد که فرد دچار مرگمغزی زنده

شده یا اعضایش خرید و فروش می شود، که هر دوی این موارد محال است، مردم تصور می کنند که واقعیت دارد.

بن صحنه هــــاروى ذهن ما به عنوان بيننده تأثير منفى

این ستعصد روی مصی به بسورت پیشنده دیر منعی می گذارد و باعث می شود که موقع تصمیم گیری درباره داشتن کارت اهدای عضو، دچار تردید شویم. به خصوص پاک کردن اطلاعات غلط، کار بسـیار دشــواری است.

ست یک بحث علمی در تلویزیون را

اصلانبینند. در کشــورهای غربی حتی بچههای کوچک میدانند اهدای عضو و

مرگمغزیچیست. به نکته خیلی مهمیی اشاره کردید. واضح است

کـه رسـانه ها به جـآی خود

قش بسيار مهم و غيرقابل

انکاری دارند، اسا آنچه که

طرح کردید، به آموزش از

پایهٔمربوط میشود.در کشور مــا چنینچیــزی اختصاصا

درمسورد اهداىعضسو هنوز

وجودندارد.درستاست؟ بله،اماکارهایی در دس

انحام است. مثلا داستا: هاب

شده برخی فکر میکنند که

چهها در سنین پاییس آماده نیستند که با مفهوم مرگ آشنا

شــوند، در صورتی که ایــن باور

ررى ت.بچەھابااين،مفھوم آ

پیراُمون خودمیٰ بینند که چه اُتفاقاتی می افتد تلُویزیونُ ما دایما در حال نشان دادن مرگومیر است. اگر از ابتدا

به بچه ها اطلاعات صحیح رسانده شود، در خانواده هم

می تواند تاثیر خودرانشان دهد. تاثیر این کار را در مسائل اهنمایی و رانندگی می توان دید که الان هر بچه معلم

خُانواده خود شده است. نباید این طور باشد که وقتی میخواهیم با خانوادهای که عزیزشان دچار مرگمغزی

نده، صحبت کنیم، اصلا ندانند که مرگمغزی به چه

. هنری جشین نفس را به عهده دارند، در سیطح شهر از مردم گزارش تهیه می کردند که معنای مرگمغزی را

ر ۱۰ رکز ای ۲۰ ها که کرد. پپرسند، تقریباهمه جوابها صحیح و نظرهامثبت بود. یعنی دانستههای مردم در مقایسه با سال ۸۴ خیلی بهتر شده است. اگر البته اطلاعات اشتباه داده نشود. اخیرا

بر سےال در ماہ میار کی مضان اپن مسأله باب شدہ که

بازگشته است. درحالی که چنین چیزی محال است.

بر هسته مست حریبی پیری تا با است. مردم باید بتوانند بیسن مرگمغزی و کمای عمیق فرق بگذارند فرد کمایی نفس دارد، در حالی که مرگمغزی،

. به دلیل این که مرکز تنفســـیاش تخریب شــده،نفس ندارد. تأییدمرگمغزی فقط باید توسط تیم متخصص

این کارانجام گیرد گاهی می بینیم که فیلمی دراین باره ساخته شده و مشاور پزشکی هم دارد، ولی مشاور، پزشک عمومی است. لازم است بگویم همان طور که یک

شكمتخصص پوست نمى تواند دربار ممشكلات زنان

رشته می تواند اطلاعات درستی در اختیار مخاطب قرار دهد. ما همیشه معتقدیم که اگر اصطلاح مرگمغزی را

اشتباه استفاده كنبير، مثل إبر است كه اصطلاح سرطان

ئه عزیزشان سرطان دارد، منجر به تخریب آن خانواده

رانابجابه کارببریم. اگربه خانواده ای به اشتباه گفته ش -

۔ ــُردی رامی آورندو می گوید مرگمغزی ش

. دراینباره برای کودکان نوشــ

ہم که مردم فیلمھا را باور می کنند ولی ممکن

. قلب به واسطه خاص

رادرنظر گرفت.

. نی گیرد. در حالی که صداوسیماهنوز نتوانس

..ته باشد، برمی گردانیم و می خواهیم که آن

عضو در چند سال پیش، از در خواست برای عضو پیوندی، سان خودرادر هردوموة بگذارده فکر کند که اگر وزی خودش نیاز به عضو داشته باشد، اتتظارُش از دیگراُن چه خواهد بود؟ بهخم کسی که مرده و باید دفن شود. از طرف دیگر دین اسلام هممارابه انجام این کار توصیه می کند طبق نظر آیتالله مکارمشیرازی وقتی نجات جان مسلمانی وابسته به این اعضاست، واجب عيني است كه اهدا شود. ايشان حتى نمی گوید واُجب کفایی، می گوید واجب ُعینی. بنا باید همه این جوانب، ا در نظر بگیریم. حتی اگر کاملا خودخواه باشیم واصلابه دیگران فکر نکنیم، باز هم کفه اهدای عضو سنگین تر است. چرا باید اعضای سالم افراد، بوسیده شـوند؟ بااهدای عضو، امکان نجات ارگان هارا ، می یابیم تادر بدن فرددیگری به حیات خودادام ساتوجه سهاین که برخسی ممکن است امید . ت فرد از دسـت رفته را داشـته باشند، بازگش مقداری درمورد چگونگی تأیید مرگمغزی توضیح دهید. چندنفر این روند را مور دبر رســی قرارمىدهند؟

_ ـخیص اولیه مرگمغزی براســاس معاینه و نوار ر رزر مغزی در بیمارستان مبدأ توسط هماهنگ کنندههای اهدایعضو دانشـگاهها صورت می گیرد. در مرحله بعد طی این مدّت مراحل قانونی صـورت میپُذیرد. یعنی یک متخصص مغز و اعصاب، یـک متخصص جراحی . اعصاب،یکمتخصصُداخلی ویکمتخصص بیهوشے جداگانه و یکجه یک مریض را میبینند. مجددا نوار مغزی گرفته شده و با نوار مغزی اول، مقایسه می شود. سری پزشکان تاییدکننده مرگ مغزی نباید عضو تیم پیوند باشند. هر ۴ پزشکی که گفتم، باید مرگمغزی را تأیید کنند. تستهای پیشرفته هم انجام میشود تا مطمئن شوند مریض هیچ گونه تنفسی ندارد. حتی اگر یک نفر از این ۴ پزشک، مرگ مفــزی را تأییدنکند، همهچیز ری چر متوقف می شود و گیا ۱۲ساعت بعد، دوباره تیم از نو مراحل را تکرار می کنند وقتی مرگ مغزی تأیید شد، متُخصَّصُ پزَشُــكىقانونى تأييداً ن پزشُكان را بررسى مىكند همچنين كل فرآيندرانيــز مورد بازېينى قرار می دهد که خانواده مجبور یا تهدید نشده باشند. در این . حله هماهنگ کنندههابرای گرفتن رضایت از خانواده وارُدعمل می شوند. در صورت رضایت خُانواده، فُرددچار

ورحس عی موسد ر مورد رحیط موسد را در مرک مغزی، واردفاز اهدای عضو خواهد شد. نقش آموزش اجتماعی در موضوع اهدای اعضا چیست؟از نظر شیماً کدام نهادها در کنار رسانههای جمعی در ایجاد آموزش اجتماعی و خلق بینش پایدار در این زمینه، موثرند؟

. ــتقــما با مرد ســـا; مان ها هستند که مســ برخی ســـازمانها هستند نه مســـعیمه به مرسم سر و کار دارند.از نظر من تلویزیـــون دو نقش مهم دارد: اول ندادن اطلاعات غلط بـــه مردم و دوم انتشـــار اطلاعات ح در جامعه پراکندنُ اطالُاعات نادرســُ نهال نوپا صدمه می زند و جان افراد را به خُطر می انداز د. در ایران میزان افراد در لیست انتظار، ۲۵درصداس درُحالی که این رقُم در دنیا تا ۱۰ درصدُ اس ما خيلي بالا و غُير قابل قيول است. ما مسلمانان و مردم ایران که به فداکاری شهره هستیم، اجساد را دفن می کنیم در حالی که می توانیم اعضای فاسد نشده را به ی ماران نیاز منداهدا کنیم. واقعیت این است که در بین ۲۵۰۰ تا ۲۵۰۰ اهدای عضو باید در کشــور انجام شود. چرا در سال گذشته فقط ۶۶۵ مور د انجام شده است؟ اینُ رقَم برای ایران غیرقابل قبول اُست. در بعد آموزش عمومي و اجتماعي بايد به مقوله فيله ها هم توجه ويژه ر می را در این می در در این به این در این در این در در در در در در است. داشته باشیم. وقتی فیلمی با موضوعی غیرواقعی ساخته می شود که افراد زیادی در آن مشارکت داشته اند، دیگر کمٹر کسے فکر می کند کہ آنچے می بیند، فقط یک داســتان اســت. بنابراین نقش مهم صداوسیما این جا آشکار می شود. لازم است از کاری که معاونت سینمایی وزارت ارشادانجام داد، تقدیر کنم. هر فیلمنامه و فیلمی را که در زمینه اهدای عضو و پیونداست، پیش از نمایش

سی شـود. درمورد مرگمغزی نیز همین طور اسـت و سدمات روحی و جسمی وارده، جبران ناپذیر خواهد بود. در کشور ما چقدر از ظرفیت تبلیغ خدمات

ماً تاکنون کارهای فرهنگی زیادی انجام دادیم. ۷۰و چند مورد، طرح فرهنگی داشــتیم که ۳۰ فقره از آنها به اتمام رســیده وبقیه درحال انجام است.از بزرگترین كارهايي كه داشتيم، ايجاد وبسايتمان بوده است. ما امکان ثبتنام اینترنتی و دریافت کارت اهدای عضو را در سایت، فراهم کردیم زمانی که تبلیغ کوچکی انجام میشود، تعداد درخواستها تا ۵ هزار عدد در روز هم میرسند. کما این که در ماجرای خانم عسسل بدیمی، سایت مابعدلیل استقبال گسترده مردم، از کار افتاد. کار دیگری که در عرصه فرهنگی انجام شده، بر^گزاری جشن فس است که سابقهای ۱۰ ساله دارد. خانوادههای ـده و گیرنده بــدون این که یکدیگر را بشناًســ بیماران نیازمند پیوند، هنرمندان، ورزشکاران، مقامات ر می را را براین مراسم حضور دارند. سال گذشته ۶ هزار میهمان داشتیج همچنین تمام تبلیغات قبل و بعد جشن نفس، نقطه عطف فعالیت های فرهنگی ما انواع و اقسام نمایشگاهها و دانشگاهها هر سال ، غرفه ناريم. همچنين طرحى داريم به نام سفيران. به هرحال، کارهای فرهنگی قطعانه در تخصص ماست و نه این که ط ما مى تواند انجام گيرد. ما پزشكيم و هنر ر وابط عمومی نداریم. پدیده مقدس و شگفتی آفرینی يُنْ جا در حُال وقوع است كه هنوز پسُ از گذشت سال ها برای ماعادت نشده این هنرمندان و فعالان عرصههای مختلفار تباطات هستندكه بايدرويدادهاى اين مراكزرا

بسطری ... آشــکار اســت که ما با چند نفر پرســنل ثابت واحد دهیم این کاری است که تعداد زیادی از افراد باید برای یر کرد کی در کیار در کیار گرفتیم سفیران از همه صنوف هستند، از خانم خانه دار داریم تانجار، آتش نشان، راننده تاکسی و ــدر حال حاضر، بانگملی کارتهای اهدا را صادر می کُند. اما در زمانی که خودمان این کار را می کردیم، خانههای خانهدار در توزیع کارتها به ما کمک می کردند. زمانی هم که در جایی غرفه داریم، سفیران غرفهها رامدیریت می کنند. در سایت ehda.ir بخشبی داریم بانام «همیاری» که اطُلاعاتی درباره سفیران در این قسمت، ارایه شده و داوطلبان باید پسس از مطالعه آن در امتحان اینترنتی شرکت کنند اگر قبول شدند، فرم همکاری برای آنان، ر - رکی رکی ارسال شده و جهت شــر کت در جلسه حضوری دعوت می شــوند تا به بیان نظر و زمینه مورد علاقه خود برای

روچ پیوند ریه جُهان هستندو پس از گذشت ۳سال از ازدواجشان هنوز وقلب رااحيا كنيم، دوحالت _ حیم،دوحالہ پیشمی آید،اگرمغزسالم باندہید۔۱۲۰۲ ۰۰ دەبود كە كارھاي در مانى را ر باهم در ارتباط هس انجاممىدهيمواگرمغز آسي ديدەبود،مى توان مراحل پيوند

دكترسيدكيهان هادى صادق آقای دکتر، لطفا درباره کارتان نوضيحدهيد.

ن کار ماً شناســایی افراد مرگمغزی است. چند روش برای این کار وجود دارد. یکی این اسّ مارستان ها بایدافراد با درجه پایین هوشیاری خود را بیمرست به مرکز پیوند گزارش کنند.اگر بازرسهای ما فردی را بااین مشخصات در بیمارستانها پیدا کنند که گزارش . "... نشده، برای آن بیمارســـتان توبیخ مینویسند. دومین روش این اســت که هر روز به بیمارستان هایی که مر کز ر و ... نروماهستند، تلفن زدهمی شود، بابیمارستان های دیگر هم بر حسب برنامهای که داریم، چند روز یکبار تماس گرفته می شـود. روش سـوم هم اسـتفاده از بازر سان حضوری اسـت که شـخصا به بیمار سـتان ها مراجعه می کنند. ما با اسـتفاده از یکی از ایــن روش ها متوجه ہے۔ ہےشــویم که مریضی با درجه پایین هوُشیاری وجُود ناردو در مرحله بعد، باید در کمتر از یکـســاعت خود را بالای سر او برسانیم. در شروع کار، یک شرح حال اولیه نار می گیریم، با پزشکان صحب

آزمون هاهج موندم گمغزی باشد، باید بلافاصله برای حفظ ارگان ها یک سری دستورات دارویی می گذاریم. بیشترین مدت نگهداری فرد دچار مرگمغزی در بهترین بیمارسـتان های دنیا، بین ۱۰ روز تا ۲ هفته بوده است. هرچه این رر. زمان طولاتی تر شــود، کیفیت ارگانها پایین تر آمده و تعــداد اعضایی که می توان بیوند زد، کاهـُـش خواهد یافــت. از این رو ـت که برای جُلب رضایت خانوادهها در ۴ یا ۵ روز

حيون بعيد از

عمومى درباره اهداى عضواستفاده شده است؟

صحرير. ـــــــ اتفاقــا طرح ســفيران، يكــى از ســوالات من ت اگر ممکن است دراین باره توضیح ت. اگر ممکن است بیشتریدهید.

ممكارى پيردازند.

. ـت که ســاليان گذشــته، خاطرات خوشــایند و تلخ بوده اســت. مایلم که در صورت امکان، یکی از خاطرات شــیرین شما پایان بخش گفت و گوی امروز باشد.

» تی از بهترین خاطرات من به پســر جوانی مربوط می شود که گیرنده ریه بود. پیوند، دقیقا در روزها ولحظات آخر حیات او انجام شد.شکر خدا پیوند،موفقیت آمیز بود و او پس از بهبودی، رتبه اول را کس ر رپ ن ربی رک رب رک و اهدای عضو را به عنوان موضوع پایان نامه خود تعیین کرد. این شخص، يساز نابودشدن مغز، نقباضی،۶تا۸دقیقهبهضربان بیں رہے۔۔۔ ب قهرمان تنیس روی میز است و نکته جالب تــر این که با خانمـــی که پیوند ادامهم دهد اگدرای فاصله ريه شده بوداز دواج كسرد أنها اولين

بتوانيم بالاى سرمر يضبرس

مُعاْینات بالینی انجام می دهیم. ۲ آزوج مغزی رامعاینهٔ می کنیم و در صورت فقـدان هر نوع واکنش، تستهای تکمیلی انجام می شود. اگر این

هی آیند، باید محیطی آرام و بسدون رفت و آمد را در نظر بگیریم، مواجهه باخانواده، سخت ترین قسمت کار است. چون اولامی خواهیم به آنان اطلاع دهیم که فرد به دیار باقی شـــتافته و بعد هم از آنها بخواهیم که اعضای بدن عزیزشان رااهداکنند. چگونگی کارمابستگی به برخورد

خانواده دارد. قدم اول دادن خبر است. اگر پذیرش این مرحله را داشته باشند، وارد مرحله دوم می شویم و ن خواست اهدا را مطرح می کنیم. اما اگر مرگ مغزی را ر قبول نداشته باشنده نباید صحبت از اهدا به میان آوریم. شاید لازم باشد به آنان فرجه دهیم اماز مان زیادی نداریم ه هر آن ممکن اسبت قلب فرد بایسینده دارهایی که می دهیم دیگر جوابگوی نگهداری ارگان ها نباشد. باید توجه کنیم که قلب و تنفس، مصنوعی بوده و با دار و ادامه می یابد و به زودی روند فساد اعضا، هم از داخل و هم از خارج شروع خواهد شــد.نکته مهم این است که ىرگمغزىباھربىمارىديگرىفرقدارد.چونخانواده سالها در گیر درمان، جراحی یا سرطان بود نسی به سن ها در نیو طرفت، جراحی یا سرختان بود... نوعی آمادگی نهنی برای پذیرش مـرگاو را دارد،اما در مرگمغزی فرد تا چند سـاعت پیش زنده و سـالم بوده و فعالیتهای خود را انجام می داده اسـت پذیرش ى ىت است. موفقيت ین قضیه برای خانواده بسیار س این قصیه بری حتوانه بسیار سخت است. موقعیت در جاب رضایت، مبتنے بی بدی کار روانشناسسے خیلی دقیق است. ماسال گذشته در ساری زیرنظر گروهی که از السیابیا آمده بودند، دورهای را برای رضایت گرفتن از خاتوادها گذراندیم اماجلساتی که دکتر قبادی هر هفته

نوضيح دهيد.

ت ممكن است درمورد تاريخچه اين جنبه

د کتر ایسر ج فاضل در سسال ۶۸ اولین استفسساء را از

حضرت امام گرفتند، مبنى بر این که بتوان از افراد دچار مرگمغزى براى اهداى عضواستفاده كرد. لا يحه استفاده

از اُعضای افراد مرگمغزی دُرسال ۷۲ بُه مجلس رفت و

درسال ۷۹،مجلس قانون پیونداعضا از بدن مرگمغزی

را تأیید کرد. درســـال ۸۱ هم دولت آیین نامه اجرایی ر ت و به مجلس تقديم ومجلس مصوبه را صادر كرد

رواقع از سال ۸۱ شـبکه فرآوری پیونداعضا در ایران

رر حار المراح ا

۱۰ بر کرد کی در ۱۰ ک

تاییدات نمی بود، وزارت بهداشت نمی توانست این کار را شــروع کند. به نظر من هر کس در این رابطه هر کاری

نجام دهد، اتجاموظیفه بوده و هیــج منتی ندارد. همه

باید خود را ملزم بدانند هر قدمی که می توانند، هرچند کوچک، در راه ایجاد فرهنگ بخشش بردارند. چون

دمما ثابت كردهاند كه خيلى دلسوزند فقط بايدبه آنها

آیا همه افر ادی که بالقوه امسکان اهدای عضو

دارند، بهموقع به اهدامی رسند؟ اگر پاسخ، منفی است، چهدلیلی دارد؟

متعددی وجــود دارد. یکی از مهم ترین دلایل، نرســیدن

بهموقع اورژانس بالای سر فرد مصدوم است. در کشورهای

حادثه میرسد. اما در کشور ما این زمان، بیشتر است.

مشكل ديگر عدم باور پرسنل بَيْمارستان مبدأ استُ بدين

معنی که اگر فرد، عُلایمی ندارد، پزشک و پرستار و بهیار

نبایداورارها کنند بااین دید به یک فرد مرگ مغزی نگاه

كنندكُه مُى تواند جان چُند نفر ديگر را نجات دهد ُ در اين

صورت، مسلما به اور سیدگی بیشتری خواهند کرد. دلیل

رے۔ بعدی هم خانواده درجه دواست که می توانند با پرهیز از آلودن ذهن پدر و مادر، در این مسأله، نقش مهمی ایفا کرده

وبه آنان در تصمیم گیری صحیح، کمک کنند. در چـه مسدت زمانی می تــوان از اعضــای فرد

مى توان يمياژ خون را دوباره برقرار كرد تا گردش خون

واکسیژن به بقیه اعضا برسد. اگر این زمان از دست برود، واکسیژن به بقیه اعضا برسد. اگر این زمان از دست برود، اولین عضوی که صدمه می بیند، خود مغز است. پس از

نابُود شدنَ مغز، قلب به واسطه خاصُیت خُود انقباضی، ۶ تا۸ دقیقه به ضربـــان ادامه میدهد. اگر در این فاصله

بتوانیم بالای سـر مریض برسـیم و قلب را احیا کنیم، دوحالت پیش می آید، اگر مغز سالم مانده بود که کارهای درمانی را انجـام می دهیم و اگر مغز آسـیب دیده بود،

ی مون سرت میبوستر سرت آقای دکتر، برای مااز خاطرهای بگویید که تأثیر

سال قبل در یکی از بیمارستانهای

روعی نداشت.قلب این آقا در سینه یک نوجوان ۱۶ سساله حافظ قرآن جای گرفت. گاهی خود

من متعجب می شوم که به واسطه پیوند، چه آدمهایی به هم مرتبط می شوند این فرصتی است که خداوند به آن فردمی دهد

معتقدم كه أن فرد أن قدر عزيز هست

كُه خدابــٰه او اين فُرصــتُ را مُیُدهد يا

این که زمانسی در جایی کار خیری کرده که خداوند بسه این طریق دسست او را

فسراز یزدانی جوانسی که با

نجاتداد

اهــدای اعضــای خود

جـــان ۴ هموطـــن را

می گیر دو به او کمک می کند

شہر از خانوادہ فردی رضایت گرفتم کے کار مقبول و

نوان مراحل سوند راد نظر گرفت

زيادي برشماداشته است.

ستد فقطً در عرض ۴ يا ۵ دقيقه زمان

مر گمغزی استفاده کرد؟

ُرفته،اوُرژانس.در مدتی بین ۳/۵ تا ۳/۸ دقیقُه به

. خیر،متاسفانههمهبهموقعبهرونداهدانم

سمارستان برای برداشت اعضا هم ۱۶ ساعت با بیشتر

چهت مراحل قانونی سپری می شود. زمانی که اولیای دم

ُ ـ وَعُ برخوُردار بودُه شوند، کسانی که به نحوی فقدان عضو را در لحظه خاُص برای یکی از عزیزاُنشان حس کُردهاُند، باید با آنها همآواز شوند و انجمنی را تشکیل دهند و با ر ، کی ا ر مرکز اهدای عضو دانشــوری برگزار می کنند، اُن قدر نامل هست که ما تقریبا در این دوره، چیز جدیدی پیدا نبلیغات حضور در رسانه ها برای گسترش این نوع نکردیم. جدای از این امر، مسأله مهم، ماندن در این کار اقدامات تلاش كنندوبه اشكال مختلف اين انديا ما هر روز با خانوادههای ناراح ابه جامعه ببرند در این صورت می شود امید داشت که این رفتار به صورت یک فرهنگ در بیاید متاسفانه داریم که تأثیر انکارنایذیری در روحیه مادار دو تنها علاقه ریمان بمان است که من و همکارانم را در این کار نگه می دارد. همان طــور کــه می دانیــد، انــواع مختلفی از با توجّه به نُوعسي بي عتمادي يــا كهاعتمادي كه میان مردم و دولتها وجود داشته، دولتها چندان فرهنگها و خرده فرهنگها در کش ...ی را از را در این زمینه صورت دهند، مگر می توانند کاری در این زمینه صورت دهند، مگر ین که آنهافقط بتوانند مقدمات فعال شدن نهادهای دارد که به سهم خود، تنوع دیدگاه و نگرش را در اين كه أنهافق مقوله اهدای عضو آیجاد می کنید. اما به نظر من، تمام این تنوع و دگر گونی ها در یک نقطه با هم

ہیں موسی ہے ہو موسط السب میں بہر از نہادھای مدنسی و همکاری های جمعی مردم نمی تواندمشکل راحل کند. مدای عضو، تنها با مشارکت نهادهای مدنی ی ر تهدید پنداشتن ایس فعالیتها هیم یکی از شکلات جامعه ما در شکل گرفتن کمپینهای امکان پذیر است. ما نمی توانیم بدون فعال شدن نهادهای مدنی در جامعه مان شاهد تحقیق اتسان دوستانه است. هر نوع کمپین یا انجمنی که فتارهای مثبت جمعی باشیم در جامعه ما کارهای ر ادارهای منب جمعی بسیم در جمعه داردی انسان دوستانه به صورت انفرادی انجام می شود. افرادی هستند که حس کمک به همنوع را دارند و تصمیم گرفته اند شخصا اهدای عضو را با حضور در بخواهداين نوع فعاليتهاراداشته با بتاسفانه تهدید به حساب می آید واحساس می شود مرکزیاعلام کنند.امااگر این کار بخواهد به صورت ر رص ۱۰۰۰ بربیایید و کاری جمعی و قاعدممند و یک فرهنگ دربیایید و کاری جمعی و قاعدممند و تاثیر گذار شود، مستلزم این است که همین افرادی که ایسن کار را کردهاند و قطعا از درک و فهم اهمیت

فرهنگاهدایعضو

که ممکن است فردا در دسرساز شود. ممکن است تلقی شــود که آنها فعلااز این طریق می آیند و بعد کم کم ادعاُهای دیگری می کنند. متاســفانه اُمروز یکی از دلایل فعال نبودن کمپینها و تشــکلهای ـــ ی رح کی در برای کی بین مردمی در جامعه ما یا موثر نبودن آنها همین مسأله است که مواجهه شـــدیدی طی سال های گذشته با این نوع تشکل ها وجود داشـــته، مردم می خواهند ی کی ده منوع شان کنند و نمی خواهند برای خود در دسـر در سـت کننـد. تجربه نشـان داده، دخُالتُ نهادهای ُکنترلی و ســوال و جوابهای آنها در بســـیاری از مواقع فعالیت چنین تشکل هایی را متوقف کرده اســـت. این نهادها معتقدند، تشکل ها

در وطایف دولت دخالت می کنند، در حالی که ما به حُاظُ اسلامی هم مسئولیم. در جامعهُ اسلامی فقط

دولت مسئول نيست، بلكه همه افراد مسئولند. تا

ر زمانی که این تلقی منفی از کار نهادهای مدنی وجود دارد، نمی توانیم فرهنگ اهدای عضو و فعالیتهای

نوعدوستانه راجابيندازيم.

ازجمله برای مشکلات پزشکی فراهم کنندو کار را

آن نام می بریم، اُمری است که از پایین توسُط خود مردم شـکل می گیرد. بنابراین من فکر می کنم در

ن موضوع یــا موضوعات مشــابه هیچکس بهتر

دريچه

نتيجه هررفتاري به خودانسان بازمي كردد

رضااسكندرنيا دبير كانون جماران هلال احمر

اوايل كهواردهلال احمر شدم بامسأله اهداى عضو نبودم. چندین ماه اول به صــورت مبتدی فعالیت می کردم و کارهای سادهای انجام می دادم. اما کم کم به عنوان دبیر کانون جماران انتخاب شدم ، فعالیتهایم بیشتر شد. زمانی که آنجا دیبر بودم،

مدنى و NGOهاكي متعدد را در عرصه هاى مختلف

افراد زیادی به من مراجعه می کردند تا در فعالیت بشردوستانه اهدای عضو شرکت کنند. این اتفاق برایم جالب بود و همیشه با خودم فكر ميكُــرُدم، بچەھايي كە عضو مے شہوند ہے چہ مبنا وهدفكي ايسن كاررا انجسام مىدهنىد. مىدام از خىودم پرسسیدم که ایسن افراد اصلامعيار انتخابشيان براي

بازمی گرددودر اینبارههیچ شکی وجودندارد

انجام این کار چید از سوال و جوابهای زیاد به این نتیجه رسیدم که از ســوال و جورب وی به بــر بــ ر ــ . من هم برای اهدای عضو اقدام کنم. بعد از عضویت، هر روز علاقه ام به این موضوع بیشتر می شد. بعد از مدتی احساس کردم که عضویت در شهرستانمان کافی نیست و مرا سیراب نمی کند. در مرحله بعد اقدام کردم که در لیست اهدای عضو فعال سراسر کشور باشـــم و به صورت اینترنتی هم در آنجا عضو شدم و کارتم رابرایم فرستادند. بهترین خاطرهای که از اهداو اهداف خیر خواهانه دارم این است که یک

زمانی یکی از دوستان مابرای اهدای خون به سازمان انتقال خون مراجعه کرد. خسون او «Oمنفی» بود و در زمره خُونهایی قرار داشت که بسیار کمیاب بود. چندی بعدهمین دوست ما تصادف کردو به بود. چندی بعد همین دوست ما تصادف کردو به بیمارستان منتقل شد او نیاز شدید به خون «O

منفی »داشت. در شهرستان ما به دلیل جمعیت کمی که دارد، رفتار داوطلبانه و ، تمام کسانی که خون می دهند عير خواهانه به هر صور تي به تند. زمانی که مشخص هسـ -خودانسانهابازمی گرددیادر ایندنیایادر آخرت خواســـتند به او خون بده تون خسوداو بــُه درد خودش خور د. در واقع می خواهم بگویم تمام کارهای خیر به خود رد رفتار داوطلبانه و خیرخواهانه به هر صورتی به خود انسانها انسان در زندگی شخصی اش

بازمی گردد یا در این دنیا یا در برت این خاطرهای اس که همیشه در ذهن من است وعقیده دارم تمام کارهای خیر وعفیده دارم نمام دارهای خیر به خود انسان در زندگی شـخصیاش بازمی گردد . و در این باره هیچ شُکی وجود نــدارد. من نماینده افتخاری سازمان انتقال خون در ایام ویژه هستم. هر

سال در تاسوعا و عاشورا من و عدمای از دوستانی که جمع میشویم و دریک در سراسر سال عُضوشُ ص به سازمان انتقال خون می رویع. تمام اینهارا گفتم تابتوانم کمی افرادرا تشویق کنم که در زندگی رفتارها و کارهای مطلوب تری نیز وجود دارد كەمى تواتند آن, اانجام دھندو مفید باشند

زاويه

نوعدوستي ومسئوليت يذيري

زهرهزارع مدير موسسه مهرطه

أنها تعاريف خا پرداختن به کار خیریه نیز نزد فود را داشته است. این امر البته در تمامی نقاط جهان مي توانسد مصداق يابد چراكه أفسراد در هر جهان می توسته نمسته پیدید و از ده براه ناز هر زمینهای، بادلایل شخصی خودوار دمی شوند و کار خیب نیز بدون شک از این امر مستثنی نیست. در کشور ما نیز هر فردی ممکن است با دلایل شـخصی و اجتماعی، به انجام عمل خیر و کمک به دیگران بپردازدو در قبال انجام عملشُ یز توقع خیر عمومی و اجتماعی داش ر رئے ۔ که از کنار این امر به آن دست یابد جامعه ایران، فارغ از تمامی وجوهی که می توان برای آن در نظر گرفت، جامعهای مذهبی است و افراد بسیاری از فعالیتهای خودرا به دلیل ریشههای مذهبی که با آن مواجه هستند، در این راستا انجام می هفند. ، به این ترتیب چنانچه بخواهم ریشه ای برای انجام کار خیر در جامعه ایرانی متصور شــوم، نخستین ر خیر در خیات پر حق صور سورت بین بخش آن دریافت اجر اخروی و برداشت توشیه برای زمانی است که دستمان از دنیا کوتاه است. اما این امر بدون شک ریشههای دیگری نیز دارد

طی ســـالهای متمادی کار در زمینه مســـائل ازجمله این ریشهها می توان به حس نوعدوستی خبر به، اافراد بســیاری مواجه شدهام که هریک و مســــنولیت بدنبری و به فکر همنوع بــودن افراد بانیـــات خاصی بــه کار خبر پرداختهانـــد والبته اشاره کرد که این امر در بسیاری از افراد خبری که اُشاره کرد که این اُمر در بسیاری از افراد خیری که با آنها مواجه بوده، وجود دارد بسیاری از آنها بدون به به موجه بوده وجود درد بسیاری را به بدون چشمداشت و البته بدون آن که نامی از آنها برده ـود، مبادرت به انجام کار خیر می کنند که این امر در نوع خود بسیار قابل تقدیر است. هرچند در این میان افرادی نیز هستند که کار خیر برایشان صرفا وسیله ای است که توسط آن خود را نشان دهند و در حقیقت و سیلهای است برای تظاهر و ريا كه البتُه اين افرادُ نيز در نهايت نيتُ اصلى ش ر - - - سبد بن سراسیر سر بهیت پیداهشی شان بر همگان مشخص خواهدشد. از سوی دیگر افراد دیگری نیز هستند که تحت تأثیر احساسات آنی و مقطعی به انجام کار خیر می پردازند و در حقیقت این امر ریشه اصیلی در آنها ندارد. به همین سبب نیز امــر ماندگاری نخواهــد بود وبــه راحتی نیز یاری از فعالیتهای دیگر می تواند جایگزین آن فعالیت خیری شـود که این افراد در زمانی به آن میپرداختند اما درنهایت باید گفت بسیاری از افراد در جامعه ما به دلیل خاستگاه دینی که تُ برای دست یافتن به اجری اخروی به انجام كارخيرمى پردازند